

استراتژی‌های داستان پردازی در گلستان شیخ سعدی

(شekh سادیر گولستانه گল্প বলار কৌশল)

ড. মো. নূরে আলম*

প্রতিপাদ্যসার: প্রাচীনকাল থেকে বিভিন্ন মহা মনীষী সাধারণ মানুষকে বাস্তব অভিজ্ঞতা, বিভিন্ন উপাখ্যান, গল্প ও জ্ঞানগর্ভ আলোচনার মাধ্যমে উপদেশ প্রদান করতেন। তাঁদের মধ্যে পারস্যের কবি শেখ সাদি ছিলেন অন্যতম। তিনি *গুলিস্তান*-এ এমন কিছু কাহিনী বর্ণনা করেছেন যা *তাওরাত*, *বাইবেল*, *কোরআন* এবং মহানবী (সা)-এর হাদিসে বিদ্যমান রয়েছে। নীতিগ্ৰন্থ হিসেবে সাদির গুলিস্তান সারা বিশ্বে খ্যাত। এ গ্রন্থটির আবেদন প্রতিটি সময় ও যুগের সাথে সম্পর্কিত যা নিয়ে গবেষণার ব্যাপক অবকাশ রয়েছে। মানুষের চারিত্রিক উৎকর্ষতা, সামাজিক মূল্যবোধ ও নৈতিক শিক্ষার ক্ষেত্রে সাদির গুলিস্তান খুবই গুরুত্বপূর্ণ। গুলিস্তানে স্বল্প বাক্যে ব্যাপক বক্তব্য, গল্প লেখার পদ্ধতি, গল্পের মাধ্যমে নৈতিক শিক্ষা, প্রাচীন গল্পগুলোর পদ্ধতিগত কাঠামো, সময়ের গুরুত্ব ইত্যাদি পর্যালোচনার মাধ্যমে সাদির গুলিস্তানে গল্প বলার কৌশল আলোকপাত করা এ প্রবন্ধের মূল লক্ষ্য ও উদ্দেশ্য।

مشرف الدین مصلح بن عبد الله سعدی شیرازی یکی از ستاره‌های درجه اول آسمان ادب ایران است که نظم و نثر بدیع او زبان فارسی را با علی درجه قصاحت رساند و بهتر نمونه بلاغت را پرداخت. (شفق، ۲۶۳) سعدی بی تردید بزرگ‌ترین شاعری است که بعد از فردوسی آسمان ادب فارسی را به نور خیره کننده خود روشن ساخت و آن روشنی با چنان نیرویی همراه بود که هنوز پس از گذشت هفت قرن تمام از تأثیر آن کاسته نشده است، و این اثر تا پارسی برجای است همچنان برقرار خواهد ماند. زبان استادانه فصیح او زبان دل و عشق و محبت و او خود نشانه تمام عیاری است از «آدمیت» به همان معنی بسیار کاملی که بیان کرده است. (صفا، ۵۸۴-۵۸۶)

سعدی، از نابغه‌هاست که چه در عالم لفظ و چه در عالم معنی و چه در بررسی اندیشه‌اش، خطی بر او فرو نتوان کشید. زیرا، اگر سخنی به ایجاز گفته است، اندکی از معنی را فرونگذاشته است و مختصرتر از آن نیز نتوان گفت و اگر واژه‌ای ناموزون به کار گرفته است، چنان آن را در جمله جای داده است که نه تنها خللی بدان وارد نیآورده است، که عالمی زیبایی بدان بخشیده است. (کاسب، ۱۶۲)

*সহযোগী অধ্যাপক, ফারসি ভাষা ও সাহিত্য বিভাগ, চট্টগ্রাম বিশ্ববিদ্যালয়, বাংলাদেশ।

استراتژی‌های داستان پردازی در گلستان شیخ سعدی

(شەخ سادیر گولستانە گنن بیلار کەشل)

سعدی در سفر طولانی سی ساله جهانی، گلستان و بوستان را در خلاصه اخلاق نوشت. اگر انسان دارای چه صفات و مثبت در زندگی انسان باشد، معنای نام انسان و سنت خود صحیح است؛ جاه طلبی اخلاقی و شیرینی منش انسان تا چه اندازه می‌تواند او را بالا ببرد؛ در گلستان تصویر واقعی کشیده شده است. عشق به خلق، عشق به خدا و یافتن خدا در آفرینش اثر گلستان سعدی است. (سرکار، ۲۵۴)

سبک گلستان سعدی و ویژگی‌های آن : تمام گلستان که به ترتیب هشت باب است: ۱- در سیرت پادشاهان ۲- در اخلاق درویشان ۳- در فضیلت قناعت ۴- در فواید خاموشی ۵- در عشق و جوانی ۶- در ضعف و پیری ۷- در تأثیر تربیت ۸ در آداب صحبت. مانند آنچه برای نمونه آورده شد دارای نکات نغز اجتماعی و اخلاقی و تربیتی است و این مزایا است که آن کتاب را سر حلقه ادبیات جهان قرار میدهد زیرا در هر باب مطالبی عمیق و سودمند که هر یک سر مشق زندگی تواند بود مندرج است. (شفق، ۲۶۳) وی از طریق داستان در کتاب گلستان خود موعظه کرد.

گلستان سعدی یک متن فارسی معتبر با سبکی متمایز است. حکایات منثور یکنواخت، ایجاز بیان، جملات ساده و کوتاه، شخصیت‌های کم و غلبه عناصر دیالوگ از جمله نمونه‌های موفق «مینی مالیستی» در ادبیات کلاسیک فارسی است. برخی از ساختارهای داستانی گلستان شبیه معیارهای داستانی «مینیاالیستی»^۱ است. این داستان‌های حاوی عناصر داستانی را می‌توان با معیارهای ادبیات داستانی امروز به کوتاه ترین شکل سنجید و تحلیل کرد.

سبک گلستان سعدی را می‌توان در مجموع عراقی دانست. این اثر با نثری فنی و مسجع و همچنین با تکیه بر سبک شخصی سعدی نوشته شد، همین ویژگی باعث تمایز جدی گلستان از سایر کتب ادبی نظیر آن گردیده است. سبک عراقی از نظر زبانی و کاربرد واژه‌ها با سبک خراسانی متفاوت است، شعر سعدی دارای ویژگی‌های متمایزی است. زبان و رفتار او ساده و پویا است و با معیارهای کامل فصاحت و بلاغت نوشته شده است. (شمیسا، ۲۱۶) سبک شعری او ساده است، زیرا به شاعران سبک سرودن خراسانی گرایش داشت. او به شاعران سبک ساده توجه داشت. از فنون ادبی کم استفاده می‌کرد و جایگاه مخاطب را در همه جا در نظر داشت. او به دلیل ماهیت هنری اشعار و زبان ساده و روان آنها، معلم روش‌های ساده و روان به شمار می‌رود. به دلیل سادگی و غیر رسمی بودن زبانش، انتخاب واژگان او در شعر طبیعی به نظر می‌رسد و سبکی متمایز در شعر او محسوب می‌شود. تأثیر روانی شعر سعدی بی نظیر است. زیرا خواننده می‌تواند به سرعت با او ارتباط برقرار کند. خواننده پاسخی جز ابراز تحسین

استراتژی‌های داستان پردازی در گلستان شیخ سعدی

শেখ সাদির গুলিস্তানে গল্প বলার কৌশল

و تعجب ندارد. ساختار دستوری در *گلستان* سعدی حاوی نوعی محتوای عاطفی است. همچنین شامل توصیفی از انواع تجربیات متنوع است. گاهی از اتحاد می‌گفت، گاهی از جدایی؛ گاهی ابراز غم و گاهی ابراز شادی می‌کند. مهارت و تبحر سعدی در ادبیات فارسی به حدی بود که به راحتی و بدون زحمت می‌توانست هر نوع تجربه‌ای را در قالب شعر بیان کند. *گلستان* او بهترین نمونه است. اگرچه این کتاب یک کتاب تعلیمی و اخلاقی است، اما حاوی بهترین تزیینات ادبی و سبک ادبی است. قصیده‌های سعدی سبک شعری مشخصی دارند. به جای مدح و ثنا، نصیحت و نصیحت می‌کرد. گاهی اوقات از چیزهای معنوی به زیبایی استفاده می‌شود. زبان ساده و روان سعدی با اندیشه‌ها و مضامین جدید تحولی در ترکیب قصیده ایجاد کرد که در زمان او کم نظیر بود. (سراجی و عیسی شاهدی، ۹۰-۹۲) در کتاب *گلستان* با بیان داستان‌های مختلف توصیه‌هایی کرده است. او در اشعار *گلستان* در کنار واژه‌های فارسی از واژه‌های عربی نیز استفاده کرده است. در بیشتر نقاط *گلستان* از آیات قرآن هم استفاده می‌کرد.

گلستان سعدی، مخزن اخلاق است. او در داستان‌های مختلف *گلستان* از عظمت خداوند یاد می‌کند. اگر کسی با پدر بد رفتار کند، پدر از او ناراضی است. اگر غلام کار نکند، ارباب او را دوست ندارد؛ اگر سربازان از دستورات شاه اطاعت نمی‌کردند، شاه آنها را برکنار می‌کرد. اما خداوند از هیچ کس با نارضایتی از رزق و روزی دریغ نمی‌کند. (المؤمن، ۳)

داستان : داستان یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین قالب‌های ادبی با حضور فعال و مؤثر در نظم و نثر است. هدف داستان علاوه بر سرگرمی، ایجاد جامعه‌ای شاد و ایده‌آل با افراد تکامل یافته است و به همین دلیل جنبه‌های مختلف شادی و شفا و تکامل و انحطاط نسل‌ها را در قالب داستان منعکس می‌کند. «حکایت نوعی داستان ساده و غالباً مختصر واقعی یا ساختگی است که مناسب برای بیان حکمت و پند و اندرز به طرز موجز می‌باشد» (رزمجو، ۱۹۲)

استراتژی‌های داستان پردازی در *گلستان* سعدی

سبک نگارش سعدی، لحن منحصر به فرد، هنر بدون تقلید سروده شده است. او نویسنده‌ای خلاق است که هوشمندانه هر کلمه را در جای خود قرار می‌دهد و داستان‌های کوتاه ساخت و تا آنجا که تکنیک‌های داستانی پیش می‌رود، شاهکاری ماندگار در خاطره‌ها به جا گذاشته است. این شیرین‌ترین نثر فارسی *گلستان* هنرمندانه، آموزنده و موجز ساخته شده است. نغمه روان، خوش آهنگ، زبان خوش، شیوایی و حکمت عصر او در این اثر جاودانه تجسم یافته است.

استراتژی‌های داستان پردازی در گلستان شیخ سعدی

(شەخ سادیر گولستانە گنن بیلار کەشل)

تمرکز بر تأثیرات داستان نویسی در این کتاب از منظر عناصر داستانی نشان می‌دهد که نویسنده بر دانشی پایدار از سبک داستان و روایت هنری و استفاده از منابع علمی و مستند فراوان بنا نهاده است که در این کتاب گرانبها نهفته است و راز ماندگاری، پذیرش و جهانی شدن آن نیز به این صنایع بستگی دارد. آثار سعدی، به‌ویژه گلستان، با جهانی بودن، برای مردم از هر سن و طبقه، با هر سلیقه و سنی جذابیت خاصی داشته است. در مدارس معمولاً بعد از متون دینی گلستان خوانده می‌شود. اهمیت و مقبولیت این شاهکار ادبیات فارسی در بین اقشار مختلف مردم وجود دارد. مجموعه حکایات آن لذت بخش و روشنگر است. اگر ادعا کنیم که او فصیح‌ترین خطیب و فصیح‌ترین نویسنده است، قولی است که صادق است.^۱ (فروغی، دوازده) هر معانی را در عبارتی بیان می‌کرد که بهتر، زیباتر و موجزتر نمی‌توانست باشد. از دیدگاه هنری، الگوهای داستانی حکایات گلستان، نشان دهنده قانونمندی این نوع ادبی در گذشته است.

در این جستار، مهم‌ترین عناصر داستانی گلستان مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد تا قواعد داستان نویسی توسط هنرمندان و نویسندگان معاصر مشخص شود و عبارات توصیفی کلاسیک به اختصار و حجم کم با توجه به موقعیت مناسب و موقعیت فعلی توجه ویژه‌ای داشتند. «سبزیان پور، ۹۵» در «کلیله و دمنه»، «تذکره الاولیا»، «اسرار التوحید»، «مقالات شمس»، «مرزبان‌نامه»، «فیه ما فیه»، گلستان سعد و ... شاهد نمونه‌های جالب داستان‌های بسیار کوتاه هستیم که در نهایت ایجاز و سادگی، با درون مایه جذاب و شخصیت‌های اندک نگارش یافته‌اند و همین دال بر وجود جریان ادبی مینی مالیسم^۱ - که امروزه در ادبیات غرب رواج چشمگیری دارد- در آثار کلاسیک و حکایات فارسی در قرون گذشته است، به عبارتی، بهترین نویسندگان ایرانی چند صد سال پیش، پرچم‌دار کوتاه نوشت و کمینه‌گرایی در عرصه ادبیات منثور و منظوم بوده‌اند. (بارت، ۵۰)

در گلستان از عناصر داستانی به صورت حداقل استفاده می‌شود تا خواننده در کمترین زمان ممکن پیام را بفهمد. مزیت دیگر این اثر گرانبها و رمز و راز خرمی جاودانه آن برای علاقه‌مندان آشکار می‌شود. از مجموع ۱۷۸ حکایت گلستان، قریب به ۸۰ حکایت بسیار کوتاه وجود دارد که از بسیاری جهات، قابل انطباق با داستان‌های مینی مالیستی^۲ ادبیات غرب است؛ یعنی ادبیات کلاسیک ما ضرورت داستان مینی مال و موجز را دریافته و در آثار کهن فارسی به کار بسته است که ساختار داستانی برخی از این حکایات با معیارهای نقد نوین داستان‌های امروزی قابل بررسی است.

مهم‌ترین عناصر داستانی در گلستان

شخصیت

اشخاص ساختگی داستان را شخصیت داستانی گویند که مهمترین عناصر داستان و ایجاد ذهن نویسنده است. (میرصادقی، ۱۹۹) «این عنصر مهم داستانی، پیرنگ را استوارتر و درون مایه را جذاب تر می‌کند و مهم ترین عنصر انتقال دهنده تم داستان و عامل طرح داستان، شخصیت داستانی است.» (یونسی، ۲۵) در واقع نویسنده عواطف و افکار خود را از طریق شخصیت‌های داستان بیان می‌کند و به پیام داستان عینیت و جان و روح می‌بخشد و در هر اقدامی اعمال شخصیت‌ها زنجیره‌ای از رویدادها را ایجاد می‌کند.

«شخصیت داستانی معمولاً انسانی است که به درخواست نویسنده وارد صحنه داستان می‌شود و با تکنیک‌های مختلف نویسنده ویژگی‌های خود را برای خواننده آشکار می‌کند و کنش‌های مورد نظر نویسنده را انجام می‌دهد و سرانجام از صحنه داستان بیرون می‌رود» (اخوت، ۱۲۵) محدود بودن شخصیت، ویژگی مهم حکایت‌های کهن و داستانک‌هاست.

شخصیت پردازی

خلق شخصیت‌هایی که ویژگی‌های اخلاقی و روانی در اعمال و آنچه می‌گویند و انجام می‌دهند و به صورت مردم عادی ظاهر می‌شوند، شخصیت پردازی می‌گویند. نویسنده برای اینکه بتواند شخصیت‌های زنده و قابل ربط را ارائه دهد باید به موارد زیر توجه کند:

۱. شخصیت‌ها در رفتار و خلیات خود ثابت قدم باشند.
۲. شخصیت‌ها باید پذیرفتنی و واقعی جلوه کنند.
۳. برای اعمال خود انگیزه معقول داشته باشند. (میرصادقی، ۲۰۰)

روش‌های شخصیت پردازی

نویسنده خصوصیات جسمی و روحی شخصیت‌های داستان را گاهی مستقیماً و به یکی از روش‌های زیر بیان می‌کند: از زبان خود شخصیت، از زبان شخص دیگر، از زبان راوی و یا تلفیقی از سه روش قبل و گاه با شخصیت پردازی غیر مستقیم که عوامل کنش، گفتار، نام، محیط و وضعیت ظاهری در آن دخیل‌اند.

استراتژی‌های داستان پردازی در گلستان شیخ سعدی

(শেখ সাदীর গুলিস্তানে গল্প বলার কৌশল)

بعد اصلی شخصیت اندیشه اوست که قابل لمس و درک نیست ولی اعمال و گفتارش به نوعی ابعاد درونی او را نشان می دهد. شخصیت داستانی را ذهن نویسنده خلق می کند. «همین نکته، نویسنده را صفتی خداگونه می دهد و او را دچار تجربه ای غریب اما لذت بخش می کند.» (مستور؛ ۳۴) خالق اثر گاه با کمک تخیل شخصیتی را خلق می کند که بار اصلی داستان را به دوش می کشد و می تواند به ذائقه خوانندگان پاسخ دهد و این نیاز به شخصیتی قوی و جذاب دارد. این بدان معناست که شخصیت ها باید به گونه ای باشند که اعمالشان ناشی از ویژگی های روحی، فکری و اخلاقی آنها باشد. (موام، ۱۰) در دنیای داستان، همه با انواع آدم ها و شخصیت ها، مانند محیط اطراف، با تیپ های شخصیتی متفاوتی که در یکدیگر منعکس شده اند، سر و کار دارند.

انواع شخصیت های پردازی

شخصیت یا قهرمان اصلی یا محوری، شخصی است که در مرکز داستان قرار دارد و نویسنده سعی می کند توجه خواننده را به او جلب کند. (موام، ۲۰۰) حکایت ها و داستان های کوتاه قدیمی به دلیل فرم کوتاه خود تک شخصیتی یا دارای چند شخصیت هستند و از نظر تغییر و تحول به دو دسته تقسیم می شوند:

شخصیت ایستا شخصیتی است که در داستان تغییر نمی کند یا اندک تغییری می پذیرد و در پایان داستان همان گونه است که در آغاز داستان بوده است و حوادث داستان در او اثر نمی کند و یا تأثیر چشمگیر ندارد. قصه ها و داستان های کوتاه و حکایت ها از این گونه اند؛ یعنی شخصیت های ایستایی دارند و دگرگونی کمی می پذیرند. (موام، ۲۰۰)

شخصیت پویا شخصیتی است که در طول داستان دستخوش تغییر و تحول شود و جنبه ای از خصیت، عقاید جهان بینی یا خصلت و خصوصیت فردی او تغییر کند و ممکن است این تغییر عمیق باشد یا سطحی، پردامنه یا محدود، در جهت تعالی پیش رود یا تباهی. (موام، ۲۰۱)

شخصیت ها براساس رفتار و گفتارشان، در گونه های مختلف دسته بندی شده اند که در اینجا به چند مورد مهم اشاره می شود.

شخصیت قالبی شخصیتی که نسخه بدل یا کلیشه شخصیت دیگری است. او هویت خود را ندارد، ظاهرش آشناست، گفتارش قابل پیش بینی است، اعمالش مشخص است و بر اساس الگو رفتار می کند. مثل کسی که تظاهر به نادانی می کند. شخصیت هایی که می توان واژه «نما یا ماب» را پشت سر آنها

استراتژی‌های داستان پردازی در گلستان شیخ سعدی

শেখ সাদির গুলিস্তানে গল্প বলার কৌশল

آورد مثل روشن فکر نما، مقدس نما، فرهنگی ماب، لردماب، شخصیت قراردادی که به شخصیت قالبی بسیار نزدیک است از نمایش‌های سنتی گرفته شده و در قصه‌های قدیمی دیوها، پری‌ها، غولها، جادوگرها، عیارها، وزیرها و... را گویند. (همان: ۲۰۳)

شخصیت نوعی یا تیپ «بیانگر خصوصیات گروهی از مردم است که آن را از سایر طبقات متمایز می‌کند و نمونه‌ای از افراد آن گروه است؛ مانند اساتید گیج، وکلای حيله‌گر» (همان: ۲۰۵) در *گلستان* درویشی، نجیب، خوش قلب، جوان، صاحب‌دلی، زنی، دانشمند، دوست، مددکار، پارسایی، منجمی و... از این گونه اند. تیپ شخصیتی بر اساس یکی از معیارهای زیر است:

نام شغل: قاضی، نعل‌بندی، مشت‌زنی، بازرگانی، خطیبی، حکیمی، یکی از وزرا، یکی از فضلا، معلم کتابی، شتربان، بیطار.

صفت: طایفه دزدان، غافلی، مردم آزاری، ظالمی، شیادی، پارسایی، صیادی، دزدی، عالمی، ابله‌ی، ناخوش‌آوازی، پیری، توانگری، گدایی.

نام شهر یا محل: هندوی، اعرابی‌ای، درویش خراسانی، خواننده‌ای مغربی، بزازان حلب، مردم قریه.

شخصیت‌های دارای اسم خاص

پادشاهان و خلفا و وزرا: هرمز، انوشیروان، بزرگمهر، اسکندر رومی، هارون الرشید، عمرولیث، حجاج یوسف، ملک زوزن، اردشیربابکان، سلطان محمود، محمد خوارزم‌شاه.

پیامبران: یحیی (ع)، موسی (ع).

عرفا: ذوالنون مصری، عبد القاد گیلانی، ابو الفرج بن جوزی.

شخصیت‌های قرآنی: لقمان، قارون.

برخی شخصیت‌های معروف: حاتم طایی، جالینوس، سبحان وائل، حسن میمندی.

شخصیت‌های داستان *گلستان* شخصیت‌هایی ساده، ایستا و فعال هستند و قالب باریک داستان، هر فرصتی را از آنها سلب می‌کند تا شخصیت را پرورش دهند و با یکی دو کلمه او را به خواننده منتقل کنند. (بی‌انصافی پادشاه: ۳۸/مهابت هرمز: ۳۶/حرص سبکتکین: ۲۸/عدل نوشینران: ۴۷/و...)) و گاه پیام یک حکایت، محور و اساس داستان را پی‌ریزی می‌کند.

در باب اول *گلستان* (زندگی نامه شاهان) شامل ۴۱ حکایت، یک حکایت با یک شخصیت، ۲۱ حکایت با دو شخصیت، پانزده حکایت با سه شخصیت، دو حکایت با چهار شخصیت، یک حکایت با پنج شخصیت

استراتژی‌های داستان پردازی در گلستان شیخ سعدی

(شەخ سادیر گولستانە گەنن بەلار کەشەل)

است، یکی حکایت شش شخصیتی آمده است. داستانک‌های مورد بررسی در این مقاله نیز بیشتر دو یا سه شخصیتی‌اند.

در این فصل شخصیت اصلی یا شاه یا خلیفه است که نام آنها به دو صورت عام و خاص آمده است. یازده تا از داستان‌ها دارای شخصیت واقعی با نامی خاص است. (محمود سبکتکین، آغلمش، هرمز، حجاز یوسف، نشیروان عادل، ذوالنون مصری، بزرجمهر، هارون الرشید، اسکندر روم و دیگران. تصویری که از پادشاهان گلستان در ذهن خواننده شکل می‌گیرد غالباً تصویر مدیران و مدبر، آگاه به دولت، با تجربه است که از ویژگی‌های آن بی‌حرمی و بی‌عدالتی، ظلم و شهوت است و عدم دوستی و بطالت در امور دولتی و گاه ملایم، بردبار و بخشنده، توجه و دوست داشتنی به موضوع، گوش دادن به وزیر ناصح و کردار و... که خواننده آن‌ها را از توصیف مستقیم شخصیت‌ها از سوی نویسنده دریافته است.

در این حکایت سعدی با معرفی شخصیت به کوتاه‌ترین شکل ممکن جوهره شخصیت را بیان کرده است: «ابلهی را دیدم سمین، خلعتی ثمین در بر و مرکبی تازی در زیر و قصبی مصری بر سر. کسی گفت: سدی چگونه بینی دیبای معلم بر این حیوان الا یعلم؟ گفتم: یکی خلقت زیبا به از هزار خلعت دیبا.» (سعدی، ۱۰۳)

بسیاری از حکایت‌ها، شخصیت‌های عام یا کلی دارند (شخصیت قراردادی)؛ نظیر پادشاهی، اسیری، وزیر، سرهنگ‌زاده‌ای، غلامی، حکیمی، درویشی، صاحب‌دلی، یکی از ملوک عرب، یکی از وزرا، و... که هدف غایی نویسنده از آن، ابلاغ درون‌مایه و نشانی دادن اندیشه‌ای است که در ذهن دارد، مثل جسارت پارسا در حق ملک بی‌انصاف، در حکایت زیر. «یکی از ملوک بی‌انصاف، پارسایی را پرسید: از عبادت‌ها کدام فاضل‌تر است. گفت: تو را خواب نیمروز؛ تا در آن یک نفس، خلق را نیازاری.» (سعدی، ۳۴)

کانون روایت بر پایه حدافل شخصیت و در این حکایت مینی‌مال است. (شخصیت‌ها: پادشاهی بی‌انصاف و پارسایی)

نمونه داستان گلستان سعدی:

«هرمز را گفتند: وزیران پدر را چه خطا دیدی که بند فرمودی؟ گفت: خطایی معلوم نکردم، لیکن دیدم مهابت من بر دل ایشان بی‌کران است و بر عهد من اعتماد کل ندارند؛ ترسیدم از بیم گزند خوش، آهنگ من کنند.» (سعدی، ۳۶)

استراتژی‌های داستان بردازی در گلستان شیخ سعدی

শেখ সাদির গুলিস্তানে গল্প বলার কৌশল

«یکی از وزرا پیش ذوالنون مصری رفت و همت خواست که روز و شب به خدمت سلطان مشغولم و به خیرش آمیدوار و از عقوبتش ترسان. ذوالنون بگریست و گفت: اگر من خدای را چنین پرستیدمی که تو سلطان را، از جمله صدیقان بودمی.» (سعدی، ۵۵)

«کسی مژده پیش انوشیروان عادل آورد و گفت: شنیدم که فلان دشمن تو را خدای برداشت. گفت: هیچ شنیدی که مرا بگذاشت؟!» (سعدی، ۵۸)

«اسکندر رومی را پرسیدند: دیار مشرق و مغرب به چه گرفتی؟ که ملوک پیشین را چنین فتحی میسر نشده. به عون خدا هر مملکتی را که گرفتم رعیتش نیاززردم و نام پادشاهان جز به نکویی نبردم.» (سعدی، ۶۱)

بیشتر شخصیت‌های داستان‌های قدیمی، به ویژه شخصیت‌های داستان‌های گلستان، شخصیت‌های ایستا هستند و تغییر خاصی در آن‌ها مشاهده نمی‌شود. به دلیل ایجاز حاکم بر داستان‌ها، گاهی داستان توسط راوی روایت می‌شود و شخصیت‌ها چندان فعال نیستند، اما شخصیت‌ها از دل جامعه انتخاب می‌شوند و مردم با اعمال و رفتار آنها آشنا می‌شوند. داستان واقعی تر به نظر می‌رسد. گاهی قهرمان داستان اسم خاصی دارد و نشان از اهمیت او دارد. در این گونه داستان‌ها، شخصیت‌ها پایگاه اجتماعی و موقعیت تأثیرگذاری دارند. یعنی یک شخصیت برجسته و معروف، رسالت انتقال پیام را بر عهده دارد که بر تأثیر و ادراک کلام در خواننده می‌افزاید.

«عبدالقادر گیلانی را دیدند در حرم کعبه روی بر حصا نهاده همی گفت ای خداوند. بر من ببخشای. و اگر هر آینه مستوجب عقوبتم در قیامت نایبنا برانگیز تا در روی نیکان شرمسار نشوم.» (سعدی، ۶۸)

«موسی (ع) قارون را نصیحت کرد که: احسن کما احسن الله الیک. نشنید و عاقبتش شنیدی.» (سعدی، ۱۶۳)

«یکی از بزرگان پارسایی را گفت چه گویی در حق فلان عابد که دیگران به طعنه سخنها گفته‌اند. گفت بر ظاهرش عیب نمی‌بینم و از باطنش غیب نمی‌دانم.» (سعدی، ۶۷)

شخصیت غیر انسانی: در گلستان رایج و پرده، گیان و کل و طوطی و غراب نیز روایتی دارد. «این نوع حکایات را، افسانه تمثیلی یا فابل^۳ گویند.» (میر صادقی؛ ۳۳) «در ادبیات فارسی می‌توان فابل و پارابل^۴ را مثل یا تمثیل گفت که همیشه به وضوح، قصد تعلیم دارد.» (پورنامداریان؛ ۱۴۲)

غزل غنایی فارسی که از رودکی و فرخی آغاز شده و در دیوان ظهیر فریابی و انوری ابیوردی صیقل خورده بود در سعدی به اوج لطافت و اثر گذاری رسید و رویکردی متعالی و سیال پیدا کرد. زبان ترم و

استراتژی‌های داستان پردازی در گلستان شیخ سعدی

(শেখ সাদির গুলিস্তানে গল্প বলার কৌশল)

بی پیرایه و عاطقی و سادگی و از دل بر آمدگی فضای داستان سعدی را به تصرف خود در آورده است و او با این هنر خداداد دل‌های فارسی زبانان را مسخر و قلمرو سخن را ملک مسلم خود کرده است. سعدی در تمام زمینه‌های ادب فارسی یکه تاز و مدعی است. او در نویسندگی هم راه مستقل و میانه و در عین حال ممتاز و بدیعی گشوده است. کتاب *گلستان* وی در هشت باب هر چند به ظاهر خرد و کم حجم است؛ اما در واقع، نویسندگی سخن فارسی را به حد کمال رسانده است. بسیاری از سخنان کوتاه او در این کتاب، امروز به صورت ضرب المثل، آویزه گوش و ورد زبان هر فارسی گویی شده است. همانندی اندیشه‌های سعدی با سخنان نویسندگان و شاعران اروپایی و به عبارت بهتر همانندی کار آنان با شاعر شیرین سخن فارسی، گاهی آدمی را به شگفتی وا می‌دارد و نشان می‌دهد که روح عالمگیر وی زودتر از هر شاعر و نویسنده شرقی دیگری به سراغ دنیای غرب رفته و اندیشه‌وران سرزمین‌های دیگر را سیدای سخن خویش کرده است. شاید به همین دلیل بود که *گلستان* وی خیلی زود و از سده‌های هفدهم میلادی به زبان‌های اروپایی ترجمه شد و شاعران و متفکران بسیاری از اندیشه‌های وی الهام گرفتند. هم لافونتن شاعر فرانسوی پاره‌ای از تمثیل‌های او را به نظم در آورد و هم گوته شاعر آلمانی از برخی از قطعات او الهام گرفت، چنان که ولتر و ویکتور هوگو هم با نام و آثار وی آشنایی پیدا کردند. بخشی از عشق و علاقه امرسون شاعر امریکایی هم به ادب فارسی به دلیل اعتقاد و ارتباط او با اندیشه‌های بلند سعدی است. (باحقی، ۸۳-۸۵) این مایه قبول و حسن شهرت سعدی در دنیای غرب و نزد اندیشه‌وران اروپایی از او چهره‌ای جهانی و آشنا پدید آورد تا آن جا که وقتی سازمان ملل متحد در سده بیستم ایجاد گردید دو بیت زیر که از ابیات معروف سعدی است، برسر در بنای این سازمان در نیویورک نقش بست:

که در آفرینش زیر گوهرند

دگر عضوها را نماند قرار

بنی آدم اعضای یکدیگرند

چو عضوی بدرد آورد روزگار

(سعدی، ۳۳)

نتیجه‌گیری:

از مباحث مزبور می‌توان گفت که در داستان‌های گلستان سعدی استراتژی و تکنیک یا شخصیت پردازی که وجود دارد در این مقاله توضیح شد و سبک و شیوه داستان سعدی نسبت به سایر آثار هم دوره آن و حتی آثار دیگر ادوار، همانگونه که در متن به آنها اشاره گردید برتری دارد و شایسته ستایش است. سبک زبانی سعدی منحصر به فرد و ویژه‌ی خود اوست، سادگی نثر او و در عین حال ممتنع و محال بودن آن موجب خلق اثری ارزشمند به نام *گلستان* شده است طوری که پس از گذشت قرن‌ها این کتاب هنوز در اوج قله نثر پارسی بی همتا ایستاده است. شیوه نگارش سعدی به سبک عراقی محدود نمی‌شود و علائمی از سبک خراسانی و واژگان پهلوی در آن دیده می‌شود و این ویژگی نشان می‌دهد که *گلستان* به طور کامل در حوزه سبک عراقی نمی‌باشد بلکه ویژگی‌های سبک خراسانی را نیز در خود دارد و توجه به این نکته به جذابیت بیش از پیش *گلستان* نسبت به دیگر آثار هم دوره می‌افزاید.

منابع و مأخذ

- اخوت، احمد. *دستور زبان داستان*. نشر فردای اصفهان، ۱۳۷۱.
- بارت، جان. *چند کلمه درباره مینی‌مالیسم*، ترجمه مریم نبوی‌نژاد. فصل‌نامه زنده رود، اصفهان، ۱۳۷۵.
- پورنامداریان، نقی. *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶.
- داد، سیما. *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. انتشارات مروارید، ۱۳۷۸.
- رزمجو، حسین. *انواع ادبی*. انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵.
- سرکار، محمد ابوالکلام. *ادبیات ترجمه فارسی در بنگلادش: ۱۹۷۱-۲۰۰۵*. انجمن آسیایی بنگلادش، ۲۰۱۵.
- سعدی، مصلح‌الدین. *گلستان سعدی*. (به کوشش: نور الله ایزدپرست). امیرکبیر، ۱۳۶۷.

استراتژی‌های داستان پردازی در گلستان شیخ سعدی

(শেখ সাদির গুলিস্তানে গল্প বলার কৌশল)

- سعدی، مصلح الدین. گلستان. (ویرایش گلشیری). نشر ققنوس، ۱۳۸۹.
- شفق، دکتر رضا زاده. تاریخ ادبیات ایران. انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۱.
- شمیسا، سیروس. سبک شناسی شعر. انتشارات میترا، ۱۳۸۳.
- شیرازی، طارق ضیاء الرحمن؛ و عیسی شاهی. تاریخ ادبیات فارسی. انتشارات بین‌المللی الهدی، ۲۰۰۷.
- صفا، دکتر ذبیح الله. تاریخ ادبیات در ایران. جلد سوم. انتشارات فردوس، ۱۳۶۶.
- فروغی. گلستان سعدی. (تصحیح). نشر ققنوس، ۱۳۶۶.
- کاسب، استاد عزیز الله. زندگینامه شاعران ایران. انتشارات گلی، ۱۳۸۱.
- مستور، مصطفی. مبانی داستان کوتاه. نشر مرکز، ۱۳۸۷.
- موام، سامرست. درباره رمان و داستان کوتاه. ترجمه کاوه دهگان، ۱۳۸۲.
- المؤمن، حضرت مولانا مفتی عبدالله. گلستان و بوستان حضرت شیخ سعدی (ره). انتشارات امدادیه، ۲۰۱۱.
- میرصادقی، جمال. ادبیات داستانی. انتشارات شفا، ۱۳۸۸.
- یاحقی، دکتر محمد جعفر. کلیات تاریخ ادبیات فارسی. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها و مبدع تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۹.
- یونسی، ابراهیم. هنر داستان نویسی. انتشارات نگاه، ۱۳۸۸.